

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ : 1386/08/21

نقد روایات اهل سنت در کیفیت تشریح اذان :

حال می خواهیم احادیث اهل سنت را نقد کنیم. توجه داشته باشید که در نقد و یا تقویت احادیث يك ضابطه کلی داریم و آن این که اگر بخواهیم روایتی را تضعیف و یا تقویت کنیم، اول می رویم سراغ سند که بنیم آیا از نظر سند مشکلی دارد یا ندارد؟ اگر چنانچه مشکلی داشت، ادله اشکالات سند را مطرح می کنیم و آن را کنار می گذاریم. معمولاً روایاتی که فاقد سند صحیح است دیگر نوبت به نقد دلالتی آن نمی رسد؛ ولی اگر روایت صحیح السند بود، یا روایت در حد مستفیض بود (یعنی حد اقل سه روایت) به تعبیر اهل سنت (یقوی بعضها بعضاً) و به تعبیر شیعه، روایات مستفیض غنی عن البحث فی السند ولذا می رویم سراغ نقد دلالتی.

لذا ما تعدادی از روایات اهل سنت را نقل کردیم، از سنن أبي داود، سنن ابن ماجه، صحیح ترمذی که عمدتاً از صحاح سته اینها بود.

پس اول می رویم سراغ این که آیا روایت از نظر سند از دیدگاه اهل سنت (نه از دیدگاه شیعه) اشکالی دارد یا ندارد؟ اگر چنانچه در کتاب های شیعه هزار نوع تضعیف آمده باشد، به درد اقامه حجت نمی خورد و لذا می رویم سراغ کتب رجالی معتبر اهل سنت.

توضیحاتی پیرامون کتاب های رجالی شیعه :

اهل سنت در علم رجال از ما خیلی جلوتر هستند. اگر آنها در علم رجال هیچ کاری نکنند و ما دویست سال کار کنیم، به موقعیت فعلی آنها هم شاید نرسیم و علتش هم این بود که حکومت ها در گذشته با اهل سنت بود و امکانات زیادی برای آنها وجود داشت و وسائل تحقیق برایشان فراهم بود. ولذا هم در حوزه رجال و هم در حوزه حدیث خیلی گسترده تر از شیعه کار کردند به خلاف فقه که شیعه به مراتب جلوتر از اهل سنت بوده است. ولذا روی این جهت در طول تاریخ تا قرن هشتم مجموع کتاب های رجالی شیعه از تعداد انگشتان دست تجاوز نمی کند. قدیمی ترین کتاب رجالی شیعه، رجال برقی متوفای 274 هـ است. بعد رجال کشی است که معاصر کلینی است. حتی سال وفات کشی را نمی دانیم. اساسی ترین کتاب رجالی شیعه، رجال کشی است، ما نمی دانیم ایشان کی به دنیا آمده و کی از دنیا رفته است. فقط می نویسم: «کان معاصراً للکلینی.» بعد از آن رجال نجاشی و رجال شیخ است. این چهار کتاب رجالی شیعه است از زمان معصومین علیهم السلام تا قرن هشتم هجری.

رجال برقی که حدود سی چهار صفحه بیشتر نیست. فقط اسماء صحابه را آورده است بدون این که بگوید که این شخص ثقة است یا ثقة نیست. نزدیک پانصد نفر از اصحاب ائمه را آورده است. قرن هشتم، قرن شکوفایی علم هم برای شیعه و هم برای اهل سنت است. یعنی اواخر قرن هفتم و اوائل قرن هشتم، چه مسائلی بوده است که بزرگان شیعه و اهل سنت در حوزه های مختلف، یک گسترش عجیب و غریبی ایجاد شد. مثلاً در شیعه مرحوم محقق صاحب معتبر، صاحب شرایع ظهور کردند. الآن ما از زمان محقق که متوفای 676 هـ است، نزدیک هشت صد سال است که حوزه های ما کنار سفره محقق نشسته اند. چون اصل بساط حوزه های علمیه ما بر محور جواهر دور می زند و جواهر هم شرح شرایع است. هیچ حوزه فقهی شیعه نیست، یک فقهی درس خارج بگوید؛ اما اشاره به نظر صاحب جواهر نداشته باشد. یعنی کتاب جواهر انس اساس فقه شیعه است و جواهر هم شرح شرایع است.

و همچنین شاگرد بزرگوارش علامه حلی که متجاوز از هفتاد کتاب دارد در مسائل کلامی، در مسائل رجالی و... و بعد آقازاده بزرگوار ایشان فخر المحققین، محقق کرکی صاحب کتاب جامع المقاصد و.. همه مال قرن هفتم و هشتم هجری هستند.

از آن طرف هم ابن تیمیه که در قرن هشتم هـ است. ذهبی که فقط یک کتاب رجالی او سیر اعلام النبلاء در 25 جلد و کتاب دیگر رجالش تاریخ الاسلام در 53 جلد است. مزی مال قرن هفتم هجری است که 35 جلد کتاب رجال دارد که الآن رجال اهل سنت بر محور این کتاب دور می زند. ابن کثیر هم مال قرن هشتم هـ است. آنها هر چه دارند و به رخ ما می کشند، مال قرن هفتم و هشتم است. از این طرف هم اگر علامه حلی را از شیعیان حذف کنید، شیعه ماند و حوزش که حد واسط میان متقدمین و متأخرین است.

در این دو قرن دو تا کتاب رجال نوشته شده است: یکی خلاصة الأقوال فی علم الرجال، از علامه حلی که حدود دویست صفحه است و آمده از آن چهار کتاب قبلی خلاصه برداری کرده و برایش فهرست نوشته است و در حقیقت دفتر یادداشت مرحوم علامه حلی بوده است. البته در کنارش نظرات خودش را هم آورده است. بعد از ایشان هم ابن داود است که ایشان هم تلخیصی از کتب اربعه رجالی داشته است. این دو تا بزرگوار در یک زمان کتاب نوشته اند، هر دو، یک موضوع یک خط و خطوط و هر دو هم از یکدیگر خبر نداشتند. کتاب آمد بیرون، دیدند که علامه همان را نوشته است که ابن داود نوشته و ابن داود هم همان را نوشته که علامه نوشته است. و لذا این دو کتاب حدود هفتاد هشتاد درصد از نظر کیفیت، موضوع بندی و... یکی هستند با یک تفاوت های خیلی کمی.

دوباره علم رجال شیعه حالت رکود و افول خودش را پیدا می کند تا برسد به قرن دهم هجری.

در این قرن اولین کتاب رجالی را مرحوم قهپائی می نویسد به نام مجمع الرجال که آن هم در حقیقت کتاب رجال نیست؛ بلکه اقوال کتب اربعه را یک مقدار مبسوط تر از علامه حلی آورده و دسته بندی کرده است. اگر مثلاً کشتی در باره یک راوی در بیست جای کتابش مطلب دارد، آنها را در یک جا جمع کرده است. مرحوم کشتی رجالش بر محور طبقات است؛ یعنی اصحاب نبی مکرم، امیر المؤمنین و... تا برسد به آخر. اگر مثلاً می خواهید در باره هشام بن حکم مطالعه کنید، باید از اول کتاب تا آخر مطالعه کنید تا بفهمید در باره ایشان چه سخنانی گفته است.

بعد مرحوم استرآبادی اولین کتاب علمی رجالی شیعه را نوشت به نام منهج المقال فی علم الرجال. یعنی مباحث رجالی را با نگاه فقهات بحث و بررسی کرده است. بعد مرحوم علامه وحید بهبهانی - ملقب به استاد الكل - می آید و تعلیقه ای بر او می زند. بعد مرحوم علی یاری کتابی دارد به نام بهجة الآمال فی علم الرجال، ابو علی حائری منتهی المقال دارد، یا مرحوم سید تفرشی نقد الرجال دارد؛ ولی همه اینها خیلی نوآوری ندارند. مرحوم سید استرآبادی آمد و زد به هدف و خوب هم زد. الآن که از زمان مرحوم استرآبادی نزدیک سیصد سال می گذرد، حرف های سید استرآبادی نو است. تا زمان مرحوم مامقانی رضوان الله تعالی علیه، متوفای 1351 هـ که کتاب تنقیح المقال را نوشت و تحول دیگری در دنیای علم رجال ایجاد کرد. مرحوم تستری صاحب قاموس الرجال آمد و حرف های آقای مامقانی را پنبه کرد و بعد آقای خویی آخر عمر یک کتاب رجالی نوشت به نام معجم رجال الحدیث. قاموس الرجال در حقیقت تعلیقه و انتقادی است؛ آن هم انتقاد خیلی تند و کوبنده بر نظریه مرحوم مامقانی. آقای خویی هم بین اینها تعدیل ایجاد کرد. آقای خویی مردی اصولی و فقیهی تمام عیار بود و رجال را ایشان در اواخر عمرشان نوشتند. با این که کتاب ایشان کامل ترین و جامع ترین کتاب رجالی شیعه است؛ ولی مملو از اشتباه و اغلاط است. علتش هم این است که آقای خویی در رجال به آن اندازه که در فقه و اصول مسلط بود، مسلط نبود. و روی علی لُجنه ای درست کردند و خود ایشان هم تقریباً نظارتی داشتند نه نظارت کامل.

این کتاب معجم الرجال آمد بیرون، با این که کامل ترین و جامع ترین کتاب رجالی شیعه است؛ یعنی آبرو برای شیعه است؛ ولی با این حال نه آقای خویی مرد رجال بود و نه کتاب رجالی ایشان کتاب رجالی است. و با همه نقایصش حرف اول را در علم رجال می زند.

ما در حوزه رجال شیعه، دو کتاب از ضروریاتی است که طلبه باید داشته باشد: یکی معجم الرجال آقای خویی، و یکی تنقیح المقال آقای مامقانی. این دو کتاب به معجزه بیشتر شبیه است. مرحوم مامقانی این کتاب را در سه سال نوشته است. بنده با بیست و پنج سال سابقه رجالی بخوادم این کتاب را مطالعه کنم، در سه سال نمی توانم تمام کنم. حتی آقا زاده ایشان نقل می کرد که پدرم وقتی این کتاب را می نوشت، فقط برای نماز واجب؛ آن هم بدون تعقیبات و دو سه ساعتی هم که استراحت می کردند، حتی فرصت برای غذا خوردن نداشت. مادرم دید که پدرم دارد تحلیل می رود و حاضر نیست بیاید کنار سفره بنشیند، لقمه درست می کرد و در لابلاي این کتاب ها می گذاشت. پدرم وقتی کتاب را ورق می زد، می دید که این جا يك لقمه هست، آن را بر می داشت و می خورد. اول ما دیدیم که این کتاب های پدر ما اکثراً روغنی است. برای ما معما بود، بعد فهمیدیم که علت روغنی بودن این کتاب ها لقمه های است که مادرم داخل آنها گذاشته است. این مرد که متوفای 1351 هـ است، آمد کل اقوال رجالیین شیعه را از زمان معصومین گرفته تا زمان خودش جمع آوری کرد. حتی اگر رجالی از پریدن کلاغ استفاده کرده وثاقت يك شخص را، این را هم ذکر کرده است؛ یعنی در حقیقت يك دائرة المعارف رجالی شیعه است.

مرحوم آقای مامقانی در کارهای رجالی خیلی متساهل بوده اند و نود و نه در صد همتشان را گذاشته اند تا راوی را توثیق کنند. ادله ای که برای وثاقت يك راوی می آورد، بعضاً اوهن من بیت العنكبوت است. به قدری ضعیف است به قدری بی رنگ است که آدم تعجب می کند که يك فقیه مثلي مرحوم مامقانی برای وثاقت يك راوی از این طور ادله استفاده کند؛ ولی من از این دید نگاه نمی کنم، از این دید که تمام ما میکن آن يقال في حق راوی را آورده است.

خودت باید صاحب نظر باشی و ببینی که از این ادله مرحوم مامقانی می شود وثاقت را اثبات کرد یا نه. آقای خوبی با این همه تلاشی که کرده است، فقط نظر آن چهار بزرگوار اولیه را آورده است. برقی، کشی، شیخ طوسی و نجاشی. بعضی از موارد نظر مرحوم علامه را آورده است و تاخته است. آن جایی که می خواهد بکوبد، نظر ایشان را مطرح می کند.